

کاشمش

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است
چهارشنبه ۶ اسفندماه ۱۴۰۴ / سال بیست و هفتم / شماره ۸ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰۰ تومان

۴۵



ادبیات
کودک و نوجوان



۸



ضرورت بازگشت به ممیزی حرفه‌ای و
استانداردهای چاپ



۸



سندروم صندلی و خشونت
«یادداشت»



تابلوساز علی پور

مجری انواع تابلوهای تبلیغاتی...

گران، بلوار مدرس، نبش مدرس ۹

تلفن: ۰۹۱۱۵۶۷۱۳۶۹ تماس: ۰۹۱۱۵۶۷۱۳۶۹

یادداشت اول

سپندارمذگان زن، زمین و عشق

با مسوولیت سردبیر

یکی از مهمترین و جلی ترین آسیب‌ها به هر قوم و ملتی فقلان آگاهی هر ملت نسبت به تاریخ، فرهنگ و هویت خویش است، شاید بر ملتها و کشورهایی که چندان ریشه در تاریخ ندارند، نتوان خرده گرفت که شناخت شایسته‌ای از فرهنگ خود نداشته باشند و تاریخ خود را نمانند و یا اینکه چرا نیکویی‌های خرمندانانه اجدادشان را فراموش کرده‌اند، زیرا تاریخ ستبری ندارند اما قطعاً این خرده بر ملتی مانند ملت ایران وارد است که شهروندان آن ولتاین را می‌شناسند اما بسیاری نمی‌دانند بیست و نهم بهمن ماه در تقویم شمسی و پنجم اسفندماه در تقویم یزگردی روز جشن سپندارمذگان است. روز زن، زمین و عشق و در ایران باستان به این بهانه جشن می‌گرفته‌اند. اسپند یا اسفند به معنای پاک و مقدس نام ماه آخر زمستان در تقویم ایرانیان باستان بوده است که در پایان به بهار زندگی پیوند می‌خورد، آن چنان که می‌دانیم ایرانیان جشنی ماهانه داشتند و در آن روز شادمانی می‌کردند و سپندارمذگان نیز از زمره این جشن‌ها بوده است. در دنیایی که به مدد فناوری ملتها به راحتی می‌توانند قدرت فرهنگی و تاریخی خود را به رخ جهانیان بکشانند ما گرفتار جمودی شده ایم که حتی توان باز خوانی تاریخ خود را نیز از دست داده ایم و به این خاطر است که جوانان ما از ایران فرهنگی کهن گسسته شده‌اند و ریشه‌های خود را در باد می‌بینند. تصور کنید اگر جوانان ما بدانند اجداد آنها برای زن و زمین به عنوان مظهر عشق، زاینده‌گی و زندگی احترام قابل بوده‌اند، آیا به وام گرفتن از فرهنگ بیگانه محتاج می‌شوند، شهروندی که باند اجداد او زن را مظهر عشق، محبت، زاینده‌گی و محبت می‌دانسته‌اند و یا زمین را نماد پاک و هویت و زایش آیا نیازی به نگاه کردن خود در آینه تاریخ دیگران پیدا می‌کند. استاد سخن بسیار نغز در گلستان فرموده‌اند:

کهن خرقة خویش پیراستن

به از جامه عاریت خواستن

توجه به اصالت‌های فرهنگی که هیچ منافاتی نیز با شیخ مقدس نالاشته و ندارد از ضرورت‌های بازگشت ما به اصالت خویش است باید به این اصل مهم اهتمام کنیم و خود را در دنیای پیچیده امروز بازیابی کنیم تا فرصت‌ها از دست نرفته است. هر چند این روزها حال دل مردم ما خوب نیست و نمی‌توان انتظار شاهمانی داشت اما دانستن و آگاه بودن از تاریخ و فرهنگمان به ما برای گذر از آندوه بی‌پایانی که به آن دچاریم از ما دستگیری خواهد کرد و چه بسا که اگر آگاه بودیم و خرمندانانه تر رفتار می‌کردیم گرفتار این غم بی‌زوال نمی‌شدیم.

صدای مزرعه شنیده نمی‌شود



تولیدکنندگان موفق به‌عنوان سخنران اصلی، نه مهمان تشریفاتی، تعریف پروژه پایلوت مشخص در پایان همایش، همراه با تعیین متولی اجرایی و تعهد مالی روشن، انتشار گزارش ارزیابی نتایج در سال بعد. در غیر این صورت، باید صادقانه گفت که تکرار چنین رویدادهایی نه تنها کمکی به توسعه نمی‌کند، بلکه به فرسایش اعتماد تولیدکنندگان نیز می‌انجامد. کشاورزی با شعار پیش نمی‌رود؛ با عمل پیش می‌رود و عمل، از مزرعه آغاز می‌شود؛ نه از سالن همایش.

پژوهشگر بین‌المللی محیط زیست

عادلانه، اما سؤال کلیدی اینجاست: چند همایش توانسته است برای حتی یکی از این مسائل، یک برنامه عملیاتی مشخص با زمان‌بندی روشن و مسئول اجرایی معین ارائه دهد؟ تجربه کشورهایی مانند هند در توسعه کشت تجاری گیاهان دارویی و آلمان در ساماندهی زنجیره ارزش نشان می‌دهد که موفقیت، حاصل مشارکت واقعی تولیدکننده و پیوند مؤثر دانشگاه، مراکز تحقیقاتی، بازار و مزرعه است؛ نه محصول تربیون‌های رسمی و پنل‌های سخنرانی. اگر قرار است همایشی برگزار شود، رعایت چند اصل حداقلی ضروری است: حضور مؤثر کشاورزان پیشرو و

می‌شود از سخنرانی‌های تکراری، آمارهای کلی و جملات پرتطمطراق؛ اما صدای مزرعه شنیده نمی‌شود. نتیجه نیز روشن است: همایشی پرهزینه، بی‌اثر و بدون برونداد عملی. همایش زمانی معنا دارد که مسأله‌ای واقعی از دل مزرعه به آن وارد شود و با راه‌حلی اجرایی از آن خارج گردد. در غیر این صورت، رویداد به یک برنامه تشریفاتی و محفلی تبدیل می‌شود؛ محفلی برای عکس‌های یادگاری، گزارش‌های اداری و رزومه‌سازی. برای مثال در حوزه گیاهان دارویی، چالش‌ها کاملاً مشخص‌اند: نوسان بازار، نبود صنایع فرآوری کافی، ضعف در استانداردهای، مشکلات صادرات و نبود نظام قراردادهای

محمد اسماعیل اسدی-در سال‌های اخیر، برگزاری همایش‌ها، کنفرانس‌ها و نشست‌های تخصصی در حوزه کشاورزی و به‌ویژه گیاهان دارویی به‌طور محسوس‌تری افزایش یافته است. اما پرسش اساسی همچنان بی‌پاسخ مانده است: خروجی و برونداد واقعی این همایش‌ها چیست؟ آیا تغییری در مزارع رخ داده است؟ آیا درآمد تولیدکننده افزایش یافته؟ آیا زنجیره ارزش محصولات کشاورزی تکمیل شده است؟ واقعیت تلخ آن است که در بسیاری از این گردهمایی‌ها، جای خالی تولیدکنندگان واقعی، کشاورزان مجرب و مولدان اصلی کاملاً محسوس است. سال‌ها پر



یادداشت دیر صفحه



آزاده حسینی

تصور کنید در شهری زندگی می کنید که در آن وزارت فرهنگ، هنر و ادبیات ایرانی وجود دارد. روزی زنگ خانه شما به صدا در می آید. از آیفون می بینید که ماموری از وزارتخانه آمده دنبال شما! در را باز می کنید. چند مامور با ادب و احترام وارد می شوند. شما فرصت نمی کنید آنها را بشمارید. دعوتنامه ای برای شما آورده اند و پیش از آنکه فکر کنید «حالا چی بپوشم...؟!» شما را با خود می برند و هیچ توضیحی نمی دهند. چون آنها فقط مامور بردن شما هستند و وظیفه ندارند چیزی را برایتان توضیح دهند. از طرفی آن وزارت نوا است و هنوز مامور توضیح دم در ندارد. با احترام و ارادتی که خاص رفتار و شخصیت ایرانی است شما را به دفتری مدرن با معماری اصیل ایرانی می برند. هنوز چشمتان درگیر آشوب نور و سقف بلند است و هوایی تازه که از پنجره های شمال شرقی می آید. ناگهان صدایی به دلنشینی غزلی ناسروده رو به شما می گوید: «تبریک میگم خدمتون! شجره نامه ای از نوادگان سعدی پیدا کرده ایم و رسیده ایم به شما!» به چهره اش نگاه می کنید. با چشم

هایش لبخند می زند و حس می کنید که «عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد». و ادامه می دهد: «شما و همه بچه های گلشن مهر، از نسل حضرت سعدی هستید! اصل و نسبتون از طرف پدری و مادری به استاد سخن سعدی می رسد. ما تلاش بسیاری کردیم که ریشه های شما رو پیدا کنیم. می خواهیم بخشی از سرزمین قندپارسی رو به نام شما سند بزنیم. فردا مدارک خودتون رو به همراه بازآفرینی هایی که از حکایت جناب سعدی نوشتین، برامون بیارید! شماره حساب بانکی و یک عکس سه در چهار که کاملاً با چهره روزمره خودتون شبیه باشه!» حالا از شما می خواهیم که با همین تصور به خواندن حکایت های کتاب گلستان سعدی و بازآفرینی آثار بپردازید. کتاب را باز کنید و ببینید که چگونه از آن سوی قرن ها صدایش را به گوش ما رسانده است!



سر کوچه مدرسه رفت تا وسایلی که مادرش گفته بود را بخرد. خریدش را انجام داد و راهی خانه شد. در سر داشت که او هم برای بهتر شدن نمره اش تلاشی بکند. به خانه رسید و بعد از سلام و احوال پرسشی با مادرش؛ گفت که حسابی گرسنه است. از اعصاب خوردی اش با مادر صحبت کرد. در حال صحبت با مادر بود که یکهو در ذهنش جرقه ای زد. چند وقت پیش معلم کلاس پنجم خواهرش گفته بود که: «رشته ام تجربیه و هر سوالی داشتی کمک می کنم یادمه از قدیمایه چیزایی!» البته پیش خودش گفت او هم معلم است و می تواند کمکش کند. تصمیم گرفت که بعد از ناهار و بعد از اینکه از خواب بیدار شد تماسی با آن خانم بگیرد و برود به خانه شان تا با او کمی فیزیک کار کند. عصر همان روز رسید و به آن خانم زنگ زد و مشککش را گفت. آن شخص قبول کرد که با او کمی کار کند برای امتحان دو روز بعدش. کلی هانیه خوشحال شد و قرار شد که فردا بعد از مدرسه به خانه آن خانم برود. فردای آن روز به مدرسه که رفت کلی جلو رفیق هایش پز داد که من هم این دفعه نمراتم از شما بهتر می شود. شما فکر می کنید فقط خودتان می توانید نمره خوبی کسب کنید؟! بچه ها هم گفتن چه خوب ما هم مشتاقیم که ببینیم چه می شود. نمره این امتحان فیزیک. آن روز گذشت و بعد از مدرسه راهی خانه معلم خواهرش شد. سوالاتی که مشکل داشت را گفت. آن فرد هم چیزهایی که از سال ها پیش یادش بود را توضیح داد. آن روز گذشت و هانیه از اینکه قرار است فردا نمره خوبی کسب کند در پوست خودش نمی گنجید و خیلی خوشحال بود که می تواند هم سطح دوستانش شود. دیگر نگرانی ندارد و تمام حسرت هایش به پایان می رسد. صبح آن روز خیلی خوشحال بود سریع صبحانه خورد و مشغول پوشیدن لباس هایش شد. در مدرسه کلی به دوستانش پز داد که حالا من هم مانند شما نمره خوبی کسب می کنم. آن ساعت موعود فرارسید و معلم برگه های امتحانی را داد با دیدن برگه ها حسابی جا خورد که نمی تواند جواب دهد. باز هم مانند بقیه امتحانات اشک از چشمانش می ریخت. راستش دیگر نمی دانست چه کار کند.

انگار دنیا رو سرش خراب شده بود. بعد دادن برگه امتحان از معلم اجازه خواست که بیرون رود و آبی به صورتش بزند. زمان گذشت و دوستانش از دیدن چهره گریانش دیگر چیزی به او نگفتند و ماندند تا معلم برگه های امتحانی را بدهد. با خواندن نمره اش بچه ها همه جا خوردند که چرا اینکه این همه پز می داد حالا نمره اش اینقدر کمه! چی شده؟! پایان کلاس یکی از بچه ها می خواست برای امتحانات ترم اول آماده شود و از بچه هایی که کلاس رفتند خواست تا شماره آن معلم را به او بدهند. هانیه گفت همسایه مادربزرگم! اون هم دیپلم تجربیه فکر کنم بتونه بهت کمک کنه! بچه ها با شنیدن این حرف زدن زیر خنده که تو آگه بلد بودی پیش کسی میرفتی که نمره خوبی بگیري نه بری پیش معلم ابتدایی که بهت فیزیک دبیرستان درس بده. ما دیگر حرف های تو را قبول نداریم و اصلاً پیش کسی که تو میگی نمی ریم.

مامانش گفت که مدیر پول اضافی می گیره و بچه ها رو اذیت می کنه. مامانش خیلی عصبانی شد و همه رسیدها و مدارک رو به اداره آموزش و پرورش داد. یه روز بازرسی اومد و همه فهمیدن که مدیر چه کارهایی کرده. مدرسه ای که قبلاً همه بهش افتخار می کردن، حالا اعتبارش کم شد و مدیر مجبور شد استعفا بده. بعدش، خانم صادقی و بچه ها دوباره تلاش کردن مدرسه رو درست کنن. بچه ها حالا می تونستن بدون نگرانی درس بخونن و همه با هم برابر بودن. آقای جهانگیر هم فهمید که با زور و پول نمی شه همیشه آدم مهم باشه، چون حقیقت به روزی آشکار می شه. آدم هایی که با بقیه بد رفتار می کنن، بالاخره کارشون رو میشه و عدالت برمی گرده.

بازنویسی حکایت ۱۴. باب هفتم امتحان پر ماجرا



سحر حسن زاده نوری

هانیه با صدای سوگند به خودش آمد که دارد پز نمره نوزده اش را به هانیه می دهد. او هم خیلی دلش می خواست مانند بچه ها به کلاس برود تا نمره او هم خوب شود و حتی در پرسش و پاسخ کلاس فعال باشد. راستش از اول سال حسرت اینکه نمی تواند نمره خوبی بگیرد، به دلش مانده بود. زمان می گذشت و او هنوز هم در افکارش بود. از صحبت های معلم چیزی متوجه نمی شد تا اینکه زنگ خانه به صدا در آمد و او راهی خانه شد. در راه به مغازه



خودش، کارهای زیادی یاد گرفت و در مدرسه و ورزش موفق شد. روزی وقتی پدر پیر شد، فهمید که رضا نه تنها موفق شده، بلکه با قلب مهربانش، همه خانواده را شاد می کند. پدر لبخند زد و گفت: «می دانستم که تو این قدر قوی و مهربان می شوی. حالا می فهمم که همیشه هر بچه ای راه خودش را دارد.» حتی اگر کسی ابتدا توجه زیادی نکند، با تلاش و مهربانی، نتیجه خوب همیشه برمی گردد.

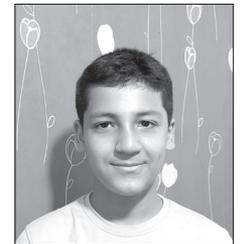
بازآفرینی حکایت ۲۶ باب اول مدرسه زورگو



نازنین زهرا خانقلی

مدرسه ما به مدیر داشت به اسم آقای جهانگیر. همه ازش می ترسیدن چون فکر می کرد خیلی مهمه و همیشه می خواست زورش رو نشون بده. او به بچه های پولدار چیزهای خوب می داد. صندلی راحت، کتاب های جدید، و حتی تو اردوها اول می رفتن. ولی بچه هایی که پول کمتری داشتن، مجبور بودن پول اضافی بدن تا نمره های متوسط بگیرن. یک روز خانم معلم مهربونمون، خانم صادقی، جلوی مدیر وایستاد و گفت: «آقای جهانگیر، این کار درست نیست. همه بچه ها باید برابر باشن!» اما آقای جهانگیر خندید و گفت: «این مدرسه مال منه و هر کاری بخوام می کنم. تو فقط معلمی، حرفت مهم نیست!» چند هفته گذشت و همه چیز بدتر شد. بچه ها ناراحت بودن و با هم حرف می زدن که چرا مدیر عادل نیست. یکی از بچه ها، علی، به

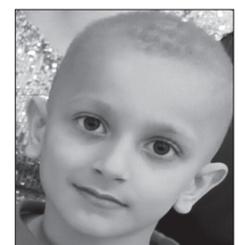
بازآفرینی حکایت بیطار



امیرمحمد عرب

کامیار بسکتبال می رفت. خیلی خوب بازی و تمرین می کرد که مربی اش ازش راضی بود. ولی خسته شده بود از اینکه روزی چهار بار در هفته به باشگاه می رفت. پسر دایی اش گفت: «خونه ما بزرگه بیا همونجا تمرین کن!» به مامانش گفت: «مامانش گفت فکر خوبیه هر جمعه میریم تمرین میکنی تفریحم می کنیم و شهریه هم نمی خواد بدی!» فردای آن روز مربی گفت: «به مسابقات دعوت شدی!» گفت: «من نمیام خودم تمرین می کنم. ولی روز مسابقات به من هم بگیرن!» اون هر چیزی که خودش بلد انجام می داد و هیچ پیشرفتی نداشت یا خیلی کم داشت و حتی بعضی وقت ها تمرین نمی کرد و بازی می کرد. روزی مسابقه ای برگزار شد. دوستش بعد بازی زنگ زد بهش و گفت که: «تو نیومدی!» گفت: «کسی به من نگفت و خبر نداشتم!» فردای آن روز نزد مربی اش رفت و گفت: «مگه نگفته بودم هر وقت مسابقه بود به من هم بگیرن؟! گفت: «تو در این چند وقت تمرینی جدیدی نداشتی و کامل تمرین نکردی، الان هم اگر می خوای بسکتبال بازی کنی دوباره ثبت نام کن!»

بازآفرینی حکایت ۲۶ باب اول برادر کوچیک تر و پدر مهربان



علیرضا خانقلی

پسرکی به نام رضا، ده ساله، همیشه حس می کرد پدرش بیشتر به برادر بزرگترش توجه می کند. برادر بزرگترش همیشه جایزه می گرفت، تعریف می شد و رضا فکر می کرد پدر او را دوست ندارد. یک روز رضا خیلی ناراحت شد و به مادرش گفت: «چرا پدر همیشه برادرم را تحسین می کند؟ من هم خوبم!» سال ها گذشت و رضا بزرگ شد. او با تلاش و مهربانی



آن سوی اتاق، طنین با ظرفی پر از شیرینی وارد می شود! آه! حتماً باز با همان لحن نصیحت‌گرانه اش می خواهد بگوید چه خوب است و چه بد! آرام ظرف را روی میز قرار می دهد و گوشه مبل می نشیند. گفتم که! با همان لحن همیشگی می‌گوید: «اولی از نظرم این کار اصلاً خوب نیست!» + چه کاری؟

- خب همین که میانین و مردم مسخره می کنید و از اعتمادشون سوء استفاده می کنید، دعوای الکی و ماشینی های اجاره ای و ساعت و گوشی های فیک و... آگه که روز رسوا بشید چی؟ همین فضای مجازی تون که توش به روز بزرگ و آدم حسابی شدین، به روز هم کوچیک و بی ارزشتون می‌کنه! با چنان چشم‌غره ای پاسخش را دادم که تا چندی سکوت میان مان حکم فرما بود. آنا که درحال پیدا کردن موضوع جدیدی برای ویدیو بود؛ هر لحظه تماس های متعددی می گرفت و آن را درون برکه ای یادداشت می‌کرد. + خب! همه چی جوهر!

یک بی ام و سری جدید، ساعت رولکس اصل، کیف شنل، ست لباس دیور و یه پنت هاوس لاکچری بالا شهر دیگه بهتر از این چی می‌خواهی دخترررر ؟ - حالا هزینهش چقدره؟

+ بابا حرف زدم باهاشون همه چیز حله!

کی بریم سر فیلمبرداری؟

واقعاً برام لذت بخش بود! یک زندگی لاکچری همان آرزویی که سال‌ها در ذهنم می‌پروراندم! حال باورم نمی‌شود با هزینه اعتمادی مردم، چنین زندگی لاکچری بنا کرده‌ام! عصبانی به لپ‌تاپ آنا می‌نگرم!

سرش داد می‌زنم: «زود باش آنا! تا نفهمم این دختر تازه به دوران رسیده کیه ولش نمی‌کنم! دختره ی عقده ای فکر کرده می‌تونه از من جلو بزنه!» آنا ترسیده بود. با عجله سایت های مختلفی را چک می‌کرد تا سر از پیشرفت این دختر به ظاهر موفق دریابورد. طنین با عجله وارد اتاق شد، صفحه گوشی اش را نشان داد و گفت: «اینه‌هاش ویدیو گذاشته!» چیزی را شنیدم و دیدم که نمایان آن دختر یک شبه تمام شهرتم را بر باد داده بود. می‌دانستم هرچه دارد و با آن‌ها ادعا می‌کند، دروغ است. اما چه کنم دیگر صلاحیتی ندارم که بخوایم آن را اثبات کنیم! و من قربانی دام طمع شده بوزم.

کار او، تورم، سه درصد کاهش پیدا کرده بود و رفاه کشور در اوج آسودگی بود. بروی نمی‌دانست باید چه کار کند. در تجارت سابق خودش، در صورت شکست، ضرر و زیان ش را می‌پرداخت. ولی در حال حاضر چه باید بکند، چه ضرری را می‌تواند بپردازد و چگونه شرایط فعلی را جبران کند. با این وجود با کارشناسان و باقی وزرای کابینه، جلسه ای برگزار کرده بود و بروی از همه آنها بیشتر درگیر بود. در این اوضاع بود که رقبای زیادی پیدا کرد. درست هفت سال پیش در جنگ هوایی کشور متجاوز، بروی نقش کمک بخشی را داشت. زیرا وظایفش کمتر و قدرت کنترلش بیشتر بود و بهتر می‌توانست روی برنامه هایش کار کند. ولی حال پیچیدگی کارش بیشتر، و قدرتش تضعیف شد. آری برایش سخت بود. ساعت هفت صبح به وقت برلین بروی لوسالومه را به اتاقش خواست. نامه استعفايش را به او داد. رسانه‌ها پر هیاهو شده بود و به ناچار زیر فشار و حمله مردم، دولت با استعفاي او موافقت کرده بود. برخی مخالف این استعفا بودند، چون معتقد بودند که کشور بیشتر در عمق فاجعه فرو می‌رود و تدبیری پایدار نخواهد داشت. ولی بروی فقط به یک چیز می‌اندیشید اینک اعتبار و ارزش حرفه‌اش را در راهی گذاشت که با مدیریت گسترده تر، ستیز داشت. شاید تجارت خودش دیگر رونق سابق را نداشته باشد. اگر او در انتخابات برنده نبود و در همان جایگاه غیر دولتی می‌ماند، ارزش و بهای کارش را به خصوص در این اوضاع بالاتر می‌برد. شاید مردم دوباره از او به عنوان فردی نجات بخش نام می‌بردند و باید به همان جایگاه سابق خودش بسنده می‌کرد. فردریش به منزل او آمد و برخلاف باور بروی که انتظار داشت از کار او عصبانی باشد، با خونسردی تمام به او گفت، شکست زود هنگامی را متحمل شای ولی پیروزی دوباره در انتظارت خواهد بود.

بازآفرینی حکایت ۱۴، باب هفتم سقوط در یک شب



سیده فاطیما عقیلی

ویدیو را قطع می‌کنم. در حالی که نورها و پشت صحنه را مرتب می‌کنم، آنا با هیجان می‌گوید: «رها! ببین چقدر ویوی پیچت رفته بالا! بزن قددهش!» چشماتم را می‌چرخانم و ریز ریز می‌خندم. از

برنده نتایج بود. فردایش بروی باید سحرخیزتر میشد. سوار اتومبیلی میشد که جلو آپارتمان منتظر بود و وارد وزارتخانه ای می‌شد که ورودی آن از هرروز دیگر شلوغ تر، و مملو از خبرنگاران و گزارشگران بود. بروی در قامت مردی جوان با کت و شلوار مشکی قلدی بالای صد و هشتاد با کراواتی قرمز، قدم هایش را یکی پس از دیگری با فاصله بر می‌داشت و به سمت آینه ای حرکت میکرد که شاید رویایش نیز در سرش پروانده نشده بود. فردریش دوست و شریک تجاری قدیمی، او را در بغل گرفت و جمله ای را در گوش بروی تکرار کرد. «شکست های زیادی را پشت سر گذاشتی و حالا جشن پیروزی ات را میگیری و اگر باز هم شکست را لمس کردی، نترس پیروزی عظیم در انتظار تو خواهد بود!» بروی چشمش از این جایگاه و مقام برق می‌زد و باید به چیزی می‌اندیشید فراتر از کارهای طبق معمولش. مارس ۲۰۲۴، چالشی بزرگتر از اتفاقات گذشته آلمان را تهدید می‌کرد. این بار بیماری واگیردار قارچی در بین مردم شیوع پیدا کرده بود که تقریباً در حال اپیدمی شدن بود. بیماری قارچی بسیار خطرناک و واگیردار که کشاورزی را مختل کرده بود. بروی که می‌دانست چه در انتظار مسئولیت اوست روی صندلی دفتر خود نشست به لوسالومه، منشی دفتر خود گفت که فردریش را خبر کند تا به دفتر او بیاید. او نیازی به چیزی فراتر از کارشناسان خود در حل مشکلات پیش روی کشور داشت. نیاز به کسی که دوباره اعتماد به نفسش را تقویت کند و به او نیروی دوباره ببخشد. بروی از همان کودکی نیز روحیاتش به اوضاع نامطلوب حساس بود ولی فردریش می‌توانست او را آرام کند. بروی نیز حق داشت. غلات شامل گندم، جو و برنج آفت زده بود، لبنیات و گوشت آلوده شده جانورانی مانند گاو، گوسفند، خوک و پرندگان در تغذیه مردم جا پیدا کرده بود. زمستان نیز نزدیک بود و سرمای اروپا نیز بیدادگرانه بیشتر از هر سال دیگر در حال اوج بود و کشور نیاز مبرم به ذغال سنگ و نفت داشت. لوازم پزشکی و تجهیزات لازم باید وارد کشور می‌شد. همچنین زیرساخت های لازم برای انجام کارهای اداری، قضایی، آموزشی در این اوضاع باید فراهم می‌شد. و همه اینها نیاز به اقتصادی داشت که از کمتر پیچیدگی و چالشی برخوردار باشد. بروی که قبل از آن، به تجهیزات هواییما و... و انگشت شمار اقلام خوراکی، مشغول بود، نمی‌دانست چطور به همه امور رسیدگی کند. اوضاع سخت تر می‌شد و بودجه وزارتخانه سقوط پیدا کرده بود. بروی قبل از این پست، مقام دولتی نداشت و الان سخت تر می‌تواند بودجه را مدیریت کند. این اوضاع تا نه ماه ادامه پیدا کرد. مردم که بسیاری از اعضای خانواده خود را بر اثر این بیماری کشته از دست داده بودند به جوش و خروش در آمدند. از طرفی قیمت کالاهایی که کمیاب شدند توسط برخی سودجویان افزایش پیدا کرده بود و حقوق کارمندان کم و در برخی از ارگانها قطع شد. و از طرف دیگر مردم در فضای مجازی او را مردی بدور از دلسوزی و تعهد کاری خطاب می‌کردند و در توییتر ناسزاهاى زیادی به او می‌گفتند. در حالی که، در ابتدای

بازآفرینی حکایت چهاردهم، باب هفتم در سرازیری قله



مریم ابراهیمی

در سالن باز شد، بروی وارد شد. ناطق حرف خود را قطع کرد و ورود او را پشت میکروفون اعلام کرد. همه برایش از سرجای خود بلند شدند. آقای فردریش برای احوال پرسى به سمتش رفت و به او اطمینان خاطر داد که برنده انتخابات خواهد بود. بروی با اعتماد به نفس بالا روی صندلی نشست که نامش بر روی آن نوشته شده بود. پشتش را به آرامی به عقب هل داد تا احساس راحتی کند. نگاهی گریبا با لبخندی به روی لب او را در قالب مردی سی و اندی ساله جذاب کرده بود. همه زیر چشمی او را نگاه می‌کردند. شاید باقی افراد حاضر دور میز علاقه مند بودند که جای او باشند. نه به عنوان برنده احتمالی انتخابات وزارتخانه اقتصاد، بلکه به عنوان مردی ثروتمند که تجارت را مانند جمع و ضرب دو عدد ساده می‌داند. خوب پیش بینی می‌کند و سودهای زیادی به دست می‌آورد. در ژانویه سال ۲۰۲۲، او جوان ترین تاجر آلمان شناخته شد و همین اصل باعث شد که از طریق چندی از دوستان به عنوان سهامدار بزرگترین شرکت بازگانی دوسلدورف معرفی شود و قراردادهای بین المللی او در سخت ترین اوضاع، به خصوص رکود اقتصادی آلمان در چند ماه گذشته، باعث شد که نامش بیشتر بر روی زبان ها بیفتد. درست هفت سال پیش بود که به دلیل حمله هوایی که به کشور آلمان صورت گرفت، واردات برخی کالاهای اساسی به مشکل برخورد بود و اوضاع اقتصادی درهم پیچیده بود. در آن زمان، بروی جوانی بود بیست و نه ساله که به مرتبه تجربه های کسب شده پدرش در بازگانی، کالاهای اساسی را به کشور وارد کرده بود و عملکرد او نوعی نجات بخش بود و همین عمل سبب شده بود که با صدر اعظم آلمان دیدار داشته باشد. نوبت به بروی رسید، میکروفون جلوش روشن شد. با دست چپش، کتیش را صاف کرد و خودش را جلو کشید. چهره اش سرشار از شور و امید بود. خودش را در حالی که برای همه شناخته شده بود، معرفی کرد مانند یک نامزد انتخاباتی از تجارت و رزومه کاری اش گفته بود و برنامه های نوین خودش را ارائه داده بود. البته او نه اقتصاد خوانده بود و نه سیاست. سخنان او ضبط میشد و سپس برای مردم بازپخش میشد. ماه بعد که نتیجه انتخابات آمده بود، بروی با رای نخست



«آگهی ثبتی»

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض عیسی کاملی شماره ملی ۰۶۵۰۹۲۰۱۵ متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۴/۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۱۴۹ در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی بمساحت ۳۳۸۳۸۰ مترمربع از پلاک شماره ۳۸- اصلی واقع در اراضی سیاهتلو بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۰۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۲۳ سیدعیسی میرکاملی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف احمد نیویان- شناسه آگهی ۲۱۳۷۶۹

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

۱-شهربانو زندی نظمی توسیرکائی کد ملی ۰۰۳۹۳۹۳۰۹۷ متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۴/۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۱۴۷۳ در ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است بمساحت ۳۳۷/۱۵ مترمربع از پلاک شماره ۸۹- اصلی واقع در اراضی خرگوش تپه بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان ۲- شهربانو زندی نظمی توسیرکائی کد ملی ۰۰۳۹۳۹۳۰۹۷ متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۷۵/۰۰۰۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۱۴۷۵ در ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است بمساحت ۳۳۸۷۰/۰ مترمربع از پلاک شماره ۸۹- اصلی واقع در اراضی خرگوش تپه بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان ۳- شهربانو زندی نظمی توسیرکائی کد ملی ۰۰۳۹۳۹۳۰۹۷ متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۷۴/۰۰۰۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۱۴۷۴ در ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است بمساحت ۳۳۵۰۰/۰ مترمربع از پلاک شماره ۸۹- اصلی واقع در اراضی خرگوش تپه بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۰۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۲۳ سیدعیسی میرکاملی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف احمد نیویان- شناسه آگهی ۲۱۳۷۶۳

«آگهی ثبتی»

آگهی گروهی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است . لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا بشرح زیر به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند. ۱-حسن بابک امیری بشماره ملی ۴۸۶۹۰۶۲۶۵۸ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۱۸۵/۴۷ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۳- اصلی واقع در اراضی نوده حاجی شریف بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. ۲- لیلیا لکزائی غلامان بشماره ملی ۲۱۲۰۷۰۱۷۰۹ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۳۴۵۳/۸۸ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۳- اصلی واقع در اراضی نوده حاجی شریف بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. ۳-محمدرضانوده شریفی بشماره ملی ۲۱۲۲۱۳۳۸۰۴ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۸۱۱/۷۵ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۳- اصلی واقع در اراضی نوده حاجی شریف بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. ۴-محمدعلی نظری سرخوآنکلاته بشماره ملی ۲۱۲۲۱۲۱۶۲۹ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۴۲۷۰/۸۱ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۳- اصلی واقع در اراضی نوده حاجی شریف بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. ۵- حسن نظری سرخوآنکلاته بشماره ملی ۲۱۲۲۸۴۸۵۳۷ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۹۷۱۹/۹۲ مترمربع از پلاک

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض سیدمحسن حسینی بشماره ملی ۲۱۲۱۷۰۴۱۳۲ متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۴/۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۲۲۱ در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی بمساحت ۹۳۴/۷۵ مترمربع از پلاک شماره ۶۵- اصلی واقع در اراضی کمال آبادسادات بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۰۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۲۳ سیدعیسی میرکاملی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف احمد نیویان- شناسه آگهی ۲۱۳۸۰۶

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کیمیا حاجی احمدی کد ملی ۲۱۲۵۷۳۴۸۱ متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۴/۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۶۰۹ در دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است و اعظم پانیزی کد ملی ۲۱۲۲۵۳۷۱۱ متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۴/۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۶۱۰ در دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است و آسیه بیگم حسینی کد ملی ۱۴۰۴/۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۶۱۲ متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۴/۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۶۱۲ در دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است بمساحت ۹۸ از پلاک ۰ فرعی از ۲- اصلی واقع در اراضی یله باغ بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از بهرام امین نژاد تصرفات متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۰۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۲۳ سیدعیسی میرکاملی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف احمد نیویان- شناسه آگهی ۲۱۳۸۰۶

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی اصلاحی شماره ۰۵۸۵۳/۱۲۰۰۳۱۲۰۱۴۰۴ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت کاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم عصمت آچاک فرزند نبی به شناسنامه شماره ۴۸۱۰۳۳۳۹۵۲ صادره از در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۰۱/۱۹ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ثبتی ۳۵۰ فرعی از ۱۹۹- اصلی و پلاک باقیمانده ۱۹۹- اصلی واقع در قریه کوسه بخش ۹ شهرستان کاله خریداری بلاواسطه از مالک رسمی آقای / خانم عطاشان عطایی و غلامحسین نوری محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۱۴۰۴/۱۲/۰۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۴۰۴/۱۲/۲۳ بهمین سارلی- رئیس ثبت اسناد و املاک کاله- م الف ۱۳۴۰۵

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۰۵۷۹۰/۱۲۰۰۳۱۲۰۱۴۰۴ مورخه ۱۴۰۴/۱۱/۲۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم سحر فتحیه فرزند محمدماظم به شناسنامه شماره ۲۰۲۶ کد ملی ۰۰۲۲۳۷۲۲۲۶۶ صادره از تهران در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۹۶۷/۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۲۷۳ فرعی از ۲۱۳- اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کاله خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای / خانم محمداقا فتحیه محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۱۴۰۴/۱۲/۰۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۴۰۴/۱۲/۲۳ بهمین سارلی- رئیس ثبت اسناد و املاک کاله - م الف ۱۳۴۰۳

شماره ۱۵۳- اصلی واقع در اراضی نوده حاجی شریف بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. ۶- حبیب اکبری شیخی بشماره ملی ۴۹۷۹۸۱۲۱۱ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۴۵۷۰/۰۴ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۳- اصلی واقع در اراضی نوده حاجی شریف بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. ۷-علیرضا غلامی بشماره ملی ۲۱۲۰۷۰۱۴۰۷ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۲۰۸/۰۳ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۳- اصلی واقع در اراضی نوده حاجی شریف بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. ۸-محمدرضانوده شریفی بشماره ملی ۲۱۲۲۱۳۳۸۰۴ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۸۹۵/۱۱ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۳- اصلی واقع در اراضی نوده حاجی شریف بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. ۹-امانوردی اسمعیلی بشماره ملی ۴۹۷۹۵۵۱۹۲۰ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۷۶۰۸۸/۹ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۳- اصلی واقع در اراضی نوده حاجی شریف بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. ۱۰-حسن اکبری شیخی بشماره ملی ۴۹۷۹۷۰۹۹۷۴ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۵۳۴/۸۹ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۳- اصلی واقع در اراضی نوده حاجی شریف بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. ۱۱- حسن اکبری شیخی بشماره ملی ۴۹۷۹۷۰۹۹۷۴ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۲۵۴/۳۴ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۳- اصلی واقع در اراضی نوده حاجی شریف بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. ۱۲-حسن اکبری شیخی بشماره ملی ۴۹۷۹۷۰۹۹۷۴ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۴۲۳/۹ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۳- اصلی واقع در اراضی نوده حاجی شریف بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد.

۱۳- حسن اکبری شیخی بشماره ملی ۴۹۷۹۷۰۹۹۷۴ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۰۹۸/۲۲ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۳- اصلی واقع در اراضی نوده حاجی شریف بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. ۱۴-محمددوردی تبریز بشماره ملی ۴۹۷۹۴۵۳۰۲۳ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۳۵۷/۳۳ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۳- اصلی واقع در اراضی نوده حاجی شریف بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. ۱۵-رحمان اسماعیلی بشماره ملی ۴۹۷۹۲۵۹۶۰۱ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۸۸۸/۰۱ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۳- اصلی واقع در اراضی نوده حاجی شریف بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. ۱۶-حسن بابک امیری بشماره ملی ۴۸۶۹۰۶۲۶۵۸ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۱۰۸/۱۱ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۳- اصلی واقع در اراضی نوده حاجی شریف بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. ۱۷-ابیل امان کرکز بشماره ملی ۲۰۳۱۷۶۲۳۳ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۵۳۵۰/۸۳ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۳- اصلی واقع در اراضی نوده حاجی شریف بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. ۱۸-محمدعلی نظری سرخوآنکلاته بشماره ملی ۲۱۲۲۱۲۱۶۲۹ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۷۷۴/۹۲ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۳- اصلی واقع در اراضی نوده حاجی شریف بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. ۱۹-حسن بابک امیری بشماره ملی ۴۸۶۹۰۶۲۶۵۸ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۵۳/۷۳ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۳- اصلی واقع در اراضی نوده حاجی شریف بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۰۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۲۳ سیدعیسی میرکاملی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف احمد نیویان- شناسه آگهی ۲۱۳۳۹۱۶

آگهی مناقصه عمومی

شهرداری گرگان در نظر دارد

نسبت به اجرای زیرسازی و آسفالت معابر زیر ۶ متر و ۶ متر و معابر به طول کمتر از ۱۵۰ متر با عرض بیشتر از ۴ متر (با مشخصات بارگذاری شده در سامانه ستاد) با مبلغ برآورد اولیه ۳۴,۹۶۲,۱۹۵,۰۰۰ ریال (بدون تعدیل) بر مبنای رسته کاری اشخاص حقیقی یا حقوقی دارای صلاحیت از محل کد پروژه ۴۰۲۱۰۱ بودجه عمرانی شهرداری از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید، لذا افراد و شرکت های واجد شرایط می توانند از تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۶ لغایت مورخه ۱۴۰۴/۱۲/۲۳ به سامانه ستاد آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

مجید طاهری- شهردار گرگان- شناسه آگهی ۲۱۳۸۴۸۹



بحران کیفیت در نشر استان؛ ضرورت بازگشت به ممیزی حرفه‌ای و استانداردهای چاپ

ابوالفضل نجف زاده

پس از انتشار نشست ناشران گلستان، اظهارنظرهای گوناگونی در این خصوص انجام شد. یادداشت ذیل یکی از این دیدگاه‌هاست که با هم می‌خوانیم. وضعیت نشر در استان ما بیش از آنکه از کمبود اعتبار رنج ببرد، از فقدان ایده‌های کاربردی و نگاه حرفه‌ای آسیب می‌بیند. سال‌هاست درباره مشکلات مالی، گرانی کاغذ و کاهش سرانه مطالعه سخن گفته‌ایم؛ اما کمتر به یک پرسش بنیادی پرداخته‌ایم: آیا آنچه منتشر می‌کنیم،

واقعاً شایسته انتشار است؟ و آیا کیفیت فیزیکی و محتوایی کتاب‌ها در تراز شأن مخاطب امروز قرار دارد؟ نخستین حلقه این زنجیره، صنعت چاپ است. اعتبار ناشر، به‌طور مستقیم از اعتبار صنعت چاپ تأثیر می‌پذیرد. کتاب، پیش از آنکه خواننده شود، دیده و لمس می‌شود. کیفیت کاغذ، صفحه‌آرایی، طراحی جلد و صحافی، بخشی از تجربه فرهنگی مخاطب است. حتی اگر نام ناشری در سطح Oxford University Press باشد، اما کتاب با چاپی بی‌کیفیت عرضه شود، به تدریج از اعتبار آن کاسته خواهد شد. کیفیت چاپ، ویرترین اندیشه است؛ ویرترینی مخلوش، کالای فاخر را نیز کم‌ارزش جلوه می‌دهد. با این حال، مسئله صرفاً به ظاهر کتاب محدود نمی‌شود. چالش مهم‌تر، فقدان «برس حرفه‌ای کتاب» در بسیاری از انتشارات استان است. در ساختار حرفه‌ای نشر، پیش از آنکه اثری وارد چرخه چاپ شود، باید از منظر علمی، ادبی، محتوایی و حتی بازار هدف، مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد. این وظیفه بر عهده کارشناس یا شورای بررسی است؛ نهادهای که نقش آن تضمین کیفیت و صیانت از اعتبار ناشر است. پرسش اینجاست: چند ناشر در استان

دارای چنین سازوکاری هستند؟ آیا هر دست‌نوشته‌ای که هزینه چاپش تأمین شود، شایسته انتشار است؟ انتشار بی‌ضابطه آثار کم‌مایه، گردآوری‌های سطحی و متون کپی‌پیستی، نه تنها به فرهنگ عمومی کمکی نمی‌کند، بلکه سرمایه اجتماعی نشر را فرسوده می‌سازد. نگاهی به عملکرد ناشران معتبر کشور نشان می‌دهد که سخت‌گیری حرفه‌ای، راز ماندگاری آنهاست. آیا نشر خوارزمی یا انتشارات امیرکبیر حاضرند هر اثری را صرفاً به دلیل تأمین هزینه‌ها منتشر کنند؟ بی‌تردید نه. آنچه این نام‌ها را به برندهای فرهنگی تبدیل کرده، وجود ممیزی درونی، شورای علمی و نگاه بلندمدت به اعتبار نشر بوده است. در مقابل، بخشی از نشر استان گرفتار روزمرگی اقتصادی است؛ تمرکز بر دخل و خرج کوتاه‌مدت، جایگزین برنامه‌ریزی راهبردی شده است. ناشری که تنها به گردش مالی امروز بیندیشد، ممکن است در کوتاه‌مدت بقای خود را تضمین کند، اما در بلندمدت اعتماد مخاطب را از دست خواهد داد. اعتماد سرمایه‌ای است که به آسانی به دست نمی‌آید و به سرعت از میان می‌رود. نشر، صرفاً یک فعالیت اقتصادی نیست؛ مسئولیتی فرهنگی و اجتماعی است. کتاب، با ذهن و روح مخاطب

سروکار دارد. ناشر باید برای این سرمایه انسانی ارزش قائل باشد و میان «چاپ کردن» و «منتشر کردن» تفاوت بگذارد. چاپ، یک فرآیند فنی است؛ انتشار، یک تعهد فرهنگی. هر اثری که به کتاب تبدیل می‌شود، به نام ناشر ثبت می‌گردد و بخشی از هویت او را می‌سازد. راه برون‌رفت روشن است. نخست، ایجاد یا تقویت نظام بررسی حرفه‌ای در هر انتشارات، حتی به صورت مشترک و صنفی میان چند ناشر. دوم، ارتقای استانداردهای چاپ و طراحی از طریق همکاری نزدیک‌تر با فعالان صنعت چاپ استان. سوم، تدوین منشور اخلاق حرفه‌ای نشر که انتشار آثار فاقد اصالت و نوآوری را محدود سازد. و در نهایت، تغییر نگرش از سود کوتاه‌مدت به ساخت برند فرهنگی ماندگار. اگر نشر استان به کیفیت بازگردد - چه در محتوا و چه در قالب - اعتبار نیز باز خواهد گشت. اما اگر چرخه تولید آثار کم‌اثر و بی‌هویت ادامه یابد، نه تنها بازار توسعه نخواهد یافت، بلکه مخاطب نیز از کتاب فاصله بیشتری خواهد گرفت. آینده نشر، در گرو شجاعت بازنگری امروز ماست.

فعال فرهنگی



سندروم صندلی و خشونت



محمد حسین شعبانی

بخش اول:

همینطور منورالفکران او را تئوری پرداز خشونت می‌دانند. - ما بدون اینکه در رابطه با تأثیرگذاری اندیشه‌ی سیاسی و فلسفی ایشان وارد مناقشه بشویم (با اینکه با خیلی از آرای ایشان مخالفت داریم) سعی می‌کنیم همچون پژوهشگری صنعتگر، اندیشه‌ی مصباح را ابزار تفسیر عمقی خود کنیم تا عیار هیئت اندیشه‌های ایشان برملا شود. - مخصوصاً تفسیر حاضر، ناظر بر جریان‌های هولناک دی ماه اخیر است. جریان‌هایی که دیگر کسی در این مملکت نیست که با هر شرایط و وظیفه‌ای اظهار تأسف و اندوه خود را نسبت به آن بیان نکرده باشد. با توجه به اینکه مدت کوتاهی از فوت جناب آقای مصباح می‌گذرد و هیئت اندیشه‌ی ایشان از متأخرترین‌ها است، بهتر از هر هیئت اندیشگی دیگری می‌تواند مبنای تفسیر عمقی ما قرار گیرد. - جناب مصباح در اثر خود تحت عنوان انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ذیل عنوان زمینه‌های پیدایش بحران اجتماعی بیان می‌کنند که: «بحران اجتماعی هنگامی آغاز می‌شود که نظام سیاسی، حقوقی و یا نظام اقتصادی حاکم، به تدریج دارای مفاسد و نابه‌هنجاری‌هایی شود که محدودیت‌ها، دردها و رنج‌ها، و ضررهایی که متوجه همه یا اکثر مردم می‌گردد، بیشتر از لذت‌ها و خوشی‌ها و نفع‌هایی باشد که عاید آنها می‌شود و یا پرده‌های ناآگاهی و بی‌خبری مردم یا فریب و نیرنگ دستگاه حاکمه چنان دریده شده و به یک سو رفته باشد که همگان دریابند که از ابتدا دچار خسران بوده‌اند. احساس غبن و خسران اگر به درجه‌ای معین از عمومیت و سیطره برسد، می‌تواند منشأ بحران اجتماعی و خروج جامعه از وضع و حالت «تعادل» یا «توازن» باشد و مردم را به اندیشه براندازی نظام حاکم و بر سر کار آوردن نظامی دیگر فرو برد، خواه، نظام حاکم از سر علم و عمد، مصالح و منافع عمومی را پایکوب و لگدمال کرده باشد و چه به سبب جهل و بدون سوءنیت، زمینه‌ی ضایع شدن حقوق مردم را فراهم آورده باشد. در ادامه نیز مصباح موارد احساس فقر، ظلم، از دست دادن حیثیت جهانی و محرومیت از استکمالات معنوی و اخلاقی را از عوامل منشأ بحران در جوامع مختلف نام می‌برد. - با توجه به مبنای هیئت اندیشه‌ی ایشان میتوان گفت که، مصباح اندیشه‌های واقع‌بینانه و کلی‌نگر دارد، با مختصات

قواعلی عام و جهان‌شمول که مشخصاً نمی‌توان خود حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را از این قواعد استثنا کرد. - شکی نیست که اعتراضات اخیر، حاصل ناکارآمدی‌های بسیاری در عرصه‌ی حکمرانی به خصوص ناکارآمدی اقتصادی و سیاست‌ورزی هست. البته ما منکر علل خارج از حکمرانی داخلی از جمله تحریم‌های ناعادلانه نیستیم و همانطور که مصباح مفصل‌بندی کرده است، هیئت جمعی ایران امروز از حالت تعادل و توازن خارج شده است. - با این اوصاف باید پرسید در چنین شرایط نامتعادلی، نظام حاکم برای حفظ وضعیت خود چه چاره‌اندیشی‌هایی باید بکند؟! مصباح خود می‌گوید: «نظام حاکم بر جامعه برای وادار ساختن مردم به اطاعت از احکام و مقررات خود از سه طریق سود می‌جوید؛ و چون ثبات و بقای نظام حاکم در گرو اطاعت و عدم عصیان همه یا اکثریت قریب به اتفاق مردم است، می‌توان چاره اندیشی‌هایی را که هر نظام به منظور تقویت و تحکیم موضع و موقف خود و حفظ وضع موجود می‌کند، از سه شیوه‌ی (استفاده از نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی)، (استفاده از قدرت اقتصادی) و (استفاده از نیروهای فکری) نام برد. - مصباح در جایی دیگر می‌گوید که: «این امکان وجود دارد که حتی استفاده از مجموع این نیروها نیز وافی به مقصود نباشد و نتواند جامعه را از ورود به مرحله بحرانی مانع شود... میزان ثبات و بقای نظام حاکم با میزان موفقیت آن در هماهنگ ساختن و بهره داشتن از نیروهای مذکور نسبت مستقیم دارد؛ ولی میزان این موفقیت نیز بی‌افول نیست و سرانجام روزی جامعه وارد مرحله بحرانی خواهد شد. بحران نیز، اگر بر اثر تداوم و چاره‌اندیشی‌های نظام حاکم متوقف یا ناکامیاب نگردد، به دگرگونی اجتماعی‌ای منتهی خواهد شد که به حیات سیاسی نظام حاکم پایان خواهد داد. - حال با ابزارهایی که بدست آوردیم باید توجه کنیم که حکمرانی مستقیم و تعدیل‌نشده، علی‌رغم فوایدی که دارد از جمله بی‌واسطگی ارتباط حاکم و تابعین و گفتگوهای مستقیم سیاسی از جانب حاکم با تبعه‌ی خود، حاوی مضراتی نیز هست و این مضرات حال در شرایط کنونی وضعیت سیاسی نامتعادل ایران را به سرحدات توصیفی آقای مصباح کشانده است. منظور این است که در چنین حکمرانی مستقیمی، مردم

معرض ناراضیاتی خود را مستقیم به سمت مهم‌ترین پست‌های حکومتی نشانه می‌روند و با توجه به ناکارآمدی شنبرداری پست‌های موصوف، شرایط اعتراضات به همان قاعده پلیسی امنیتی مصباح کشیده خواهد شد. این دقیقاً تشریح رخدادهای دی ماه ۱۴۰۴ است. - ما در اینجا نمی‌خواهیم به مناقشه بر سر نحوه کشتار اخیر بپردازیم؛ و با هم‌مللی فرض کنیم بخشی از خیل عظیم کشته‌شدگان که طبق آمار دفتر ریاست جمهوری عدد ۳۱۱۷ نفر می‌باشند، به خصوص بخش نظامی آنها توسط مزدوران و تروریست‌های فرصت طلب فدای میهن شدند؛ اما بزرگی عدد مذکور هراس عظیمی در دلمان ایجاد می‌کند و ضمناً وجدان بیدارمان به راستی و درستی ما را فرا می‌خواند که پندارمان به تاریکی نگراید. - لذا باید انذار دهیم که خشونت بی‌پرده و عریان مورد ملاحظه‌ی عموم جامعه قرار گرفته است که نمونه‌ی آن در تاریخ معاصر انگشت‌شمار است (اگر نگوئیم ناپیدا). چنین خشونت بی‌دور اطمینان‌سنجی صندلی منصب‌داران چگونه ممکن بود؟ و آیا چنین اقداماتی موجب گشایش از اوضاع نابسامان اقتصادی و سیاست‌ورزی در ایران می‌شود؟ در چنین شرایطی برای جلوگیری از نتیجه‌ای که جناب مصباح آن را پیش‌بینی کرده بودند، بجای ادامه‌ی این روند بهتر است مسببان این رخداد تلخ‌تر از زهر شناسایی و مورد محاکمه عادلانه قرار گیرند. چرا که جان مسلمین بالاترین داری آنان است و حکومت اسلامی بالاتر از هر وظیفه‌ای باید اهتمام کافی و وافی برای نیل به این مقصود داشته باشد نه اینکه خود جوئی از ناامنی را بر پیکر این اجتماع بداند. فرد فرد این جامعه فرزندان میهن عزیزمان هستند و حکومت اسلامی در مبنایی که مصباح یزدی بیان می‌کند والی فرزندان خود است. و ولی مکلف است به مصلحت تمامی مولی‌علیهم خود عمل کند. مصلحت جامعه پایان دادن خشونت صندلی‌ها و رسوا کردن عاملان آن و همچنین شروع اصلاحات عدیده در هیئت اندیشگی بنای از ریخت افتاده‌ی خود است. - عدالت بنیادی است که در وضعیت اخیر زیرپا گذاشته شده است. برای نیل به عدالت که از مهمترین صفات خداوندی است، می‌توان در وهله‌ی اول این حکمرانی مستقیم خطرآفرین را به طیفی از احزاب مستقل از حاکمیت و آزاد تعدیل کرد تا زمینه‌های لازم برای بازگشت جامعه‌ی ایرانی به تعادل و توازن فراهم گردد.